

**در حرم مطهر رضوی**

در اولین روز سال ۱۳۹۳

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدّیین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الأرضین. اللّهم صلّ علی فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها، اللّهم صلّ علی ولیّک علیّ ابن موسی عدد ما احاط به علمک، صلاةً دائمة بدوام عظمتک و کبریائک، اللّهم سلّم علی ولیّک علیّ ابن موسی الرّضا عدد ما فی علمک، سلاماً دائماً بدوام مجدک و عظمتک و کبریائک.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که تفضّل فرمود و عمر داد تا بتوانیم یک بار دیگر و یک سال دیگر، در جوار این مرقد منوّر و آسمانی، در این جمع پر شور و صمیمی، با شما برادران و خواهران عزیز گفت‌وگو کنیم. لازم است اوّلاً نوروز و حلول سال نو را بار دیگر، به همه‌ی برادران و خواهرانی که سخنان ما را می‌شنوند و به همه‌ی ملّت ایران تبریک عرض کنیم و از خداوند متعال برای ملّت ایران و همه‌ی مسلمانان جهان، سال پر برکت و زندگی همراه با سعادت را مسئلت نماییم؛ و امیدواریم خداوند متعال تفضّل بفرماید و سالی که امروز آغاز شد، سالی باشد در شأن ملّت بزرگ ایران، سالی پر خیر و برکت و برخوردار از تفضّلات الهی و توجّهات پروردگار.

یک جمله‌ای در باب سال ۹۲ که دیروز به پایان رسید عرض کنیم. در [پیام اوّل سال](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=25952) اشاره کردیم که در سال ۹۲ آنچه به‌عنوان [حماسه‌ی سیاسی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3771) انتظار میرفت، ملّت ایران خلق کردند و آفریدند. یقیناً حماسه‌ی سیاسی در دو حرکت بزرگ ملّت ایران جلوه‌ی بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه‌ی اوّل سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملّت در نیمه‌ی دوّم. درباره‌ی انتخابات حرف بسیار زدیم؛ هم این انتخابات، هم همه‌ی انتخاباتهای متعدّدی که از اوّل انقلاب تاکنون برگزار شده است. همچنین درباره‌ی راهپیمایی‌های بزرگ سراسری بیست‌ودوّم بهمن، هم این حقیر و هم دیگران، مطالب متعدّدی را بر زبان آورده‌اند که نمیخواهیم آنها را تکرار کنیم؛ ولی دو نکته درباره‌ی این دو حادثه وجود دارد. درباره‌ی هر کدام از این دو حادثه‌ای که به معنای واقعی کلمه هر کدام یک رسانه‌ی فراگیر از وضعیّت کشور ما و ملّت ما در مقابل لجن‌پراکنی‌های مغرضانه‌ی تبلیغات جهانی است، نکته‌ای وجود دارد که من مایلم قبل از مطالب مربوط به سال ۹۳ به این دو نکته بپردازم

نکته‌ی اوّل در باب انتخابات است. برادران و خواهران عزیز توجّه کنند که از اوّل انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات پایین نیفتاده است، تنزّل نکرده است؛ این خیلی مهم است. در آخرین انتخاباتی که ملّت ما پای صندوق رأی رفتند ــ یعنی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم ــ شرکت مردم در انتخابات، ۷۲ درصد بود؛ این رقم، هم در بین انتخابهای دنیا یک رقم بالایی است و یک نصاب برجسته‌ای است، هم در بین انتخاباتهایی که از اوّل انقلاب تا امروز اتّفاق افتاده است یکی از بالاترین رقمها است؛ معنای این چیست؟ معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که [مردم‌سالاری دینی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1046) در کشور تثبیت شده است؛ **1** معنای آن [مشارکت ملی در انتخابات] این است که نظام جمهوری اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست.

**2** کشوری که در طول قرنهای متمادی با حکّام مستبد و دیکتاتور گذران میکرده است، آن چنان با مردم‌سالاری و شرکت مردم در انتخاب صاحبان قدرت، آشنا و در هم ‌آمیخته شده است که بعد از گذشت ۳۵ سال از هیجانات اوّل انقلاب، مردم وقتی نوبت انتخاب میرسد، ۷۲ درصد در انتخابات شرکت میکنند؛ قدر این را باید دانست.

**3** من به شما جوانها و به همه عناصری که صاحب فکرند در سرتاسر کشور عرض میکنم: این نعمت بزرگ را ناسپاسی نکنیم؛ همچنان که در [سال ۸۸](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2174) این نعمت الهی را عدّه‌ای ناسپاسی کردند. همچنین اینکه گاهی شنفته بشود که انتخابات کشور را به عدم سلامت نسبت میدهند ــ یعنی تکرار حرف دشمنان ملّت ایران ــ این هم ناسپاسی است.

**4** مردم‌سالاری در کشور به یک جریان عادی تبدیل شده است؛ لذاست مردم در سرتاسر کشور، در روستاها، در شهرها، خود را در مقابل صندوق رأی وظیفه‌دار میدانند، به صندوق رأی مراجعه میکنند؛ ۷۲ درصد رأی میدهند؛ این خیلی چیز مهمّی است؛ در دنیا این رقم، جزو رقمهای بالا است.

نکته دوّم [که باید] توجّه کنند برادران و خواهران عزیز من، در مورد راهپیمایی بیست‌ودوّم بهمن است. بعضی هستند که با محاسبه جمعیّت‌ها را محاسبه میکنند یا با دوربینها و وسایل گوناگون مقدار جمعیّت را حدس میزنند؛ امسال همه‌ی کسانی که در این زمینه‌ها فعّال بودند و همه‌ی کسانی که این راهپیمایی را با دقّت زیر نظر داشتند، به ما گزارش دادند که جمعیّت راهپیمایی در تهران و در شهرهای بزرگ و معروف از سالهای قبل، هم بیشتر بود، هم پرشورتر بود یعنی شعارهای مردم، شعارهای پرمغز و پرمعنا و پرشور بود. چرا؟ تحلیلگرانی که مسائل گوناگون را تحلیل میکنند، این جور فهمیدند و به نظر ما درست فهمیدند؛ علّت این بود که

**5** امسال عوامل مؤثّر در سیاستهای استکباری، لحنشان نسبت به ملّت ایران بی‌ادبانه‌تر و توهین‌آمیزتر بود. چون در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای مذاکرات انجام گرفته بود، سیاستمداران آمریکا اظهارِنظر کردند که معلوم میشود ملّت ایران از حرف خود برگشته است، از اصول خود صرفِ‌نظر کرده است! با این زمینه، لحنشان نسبت به ملّت ایران، لحن بی‌ادبانه و توهین‌آمیز بود؛ مردم اینها را شنیدند، دانستند.

**6** وقتی دشمن با چهره‌ی واقعی خود یا نزدیک به چهره‌ی واقعی خود در میدان حضور پیدا میکند، مردم انگیزه بیشتری و همّت بلندتری برای [حضور](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1959)پیدا میکنند؛ **7**مردم چون دیدند آمریکایی‌ها نسبت به آنها بی‌ادبی میکنند و نسبت میدهند که از نظام جدا شده‌اند، خواستند در بیست‌ودوّم بهمن نشان بدهند که نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و پرچم برافراشته اسلام با همه‌ی وجود دل‌بسته‌اند. این نشان‌دهنده‌ی حسّاسیّت مردم ما و غیرت مردم ما در برابر دشمنی و شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است.

این هم نکته‌ی مربوط به راهپیمایی بیست‌ودوّم بهمن.

اماّ  راجع به آنچه مربوط به امسال است؛ من اینجا یادداشت‌هایی کرده‌ام، عرایضی دارم، سعی میکنم این عرایض را به‌ صورت مجمل ــ در همین مجالی که امروز داریم؛ چون امروز جمعه است و وقت ما در پایان، محدود به نماز جمعه است ــ ان‌شاء‌الله در همین وقت، آنچه را مورد نظر است عرض بکنم؛ امّا اگر مطلبی هم ناگفته بماند، امیدواریم در گفتارهای صاحب‌نظران و دانایان جامعه که میفهمند سیاست جمهوری اسلامی، امروز چیست و چه‌کار دارد انجام میگیرد، برای [افکار عمومی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1650) روشن بشود. حرف من ــ آنچه که امروز میخواهم عرض کنم به‌طور خلاصه و در یک جمله ــ عبارت است از اینکه **8** ملّت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف، درباره‌ی [اقتدار ملّی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1061) است. من عرض میکنم به ملّت عزیزمان که اگر ملّتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور میگویند؛ اگر ملّتی قوی نباشد، باج‌گیران عالَم از او باج میگیرند، از او باج میخواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت میکنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد میکنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادّی اداره میشود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف میکند، زورگویی خواهد کرد؛

چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملّت. شاعر معروف میگوید:

مرگ برای ضعیف امر طبیعی است

هر قوی اوّل ضعیف گشت و سپس مرد

میگوید مرغ پخته را آوردند در برابر آن کسی که گوشت مرغ و گوشت حیوانی نمیخورد، نگاه کرد:« اشک تحسّر ز هر دو دیده بیفشرد»؛ به این مرغی که جلویش گذاشته بودند، گفت:

گفت [به مرغ] از چه شیر شرزه نگشتی

تا نتواند کست به مسلخ آورد

اگر تو از خودت میتوانستی دفاع کنی و در خودت قدرتی میداشتی، جرأت نمیکردند این‌جور سر تو را ببُرند. من نه آن شاعر را قبول دارم، نه ابوالعلای معرّی را که از قول او این حرف گفته شده است؛ امّا این را قبول دارم که مرگ در دنیایی که بر اساس افکار مادّی اداره میشود، برای ضعیف امر طبیعی است؛ این را قبول دارم. اگر یک ملّتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور میگویند. بعضی ملّتها هستند که تا قوی شدن، فاصله‌ی زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ امّا ملّت ما این‌جور نیست؛ ما اوّلاً استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیّتها هم زیاد داریم؛ ملّت ما به ‌سمت اقتدار ملّی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است؛ من بر این اساس نقشه‌ی کلّی سال ۹۳ را در این دو عنصر میبینم که در پیام اوّل سال عرض کردم: اقتصاد و فرهنگ با [عزم ملّی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2243) و با مدیریّت جهادی.

**9** قوی شدن یک ملّت فقط به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد؛ البتّه تسلیحات هم لازم است، امّا فقط با تسلیحات هیچ ملّتی قوی نمیشود. من وقتی نگاه میکنم، سه عنصر را پیدا میکنم که دو عنصر از آنها همین دو نقطه‌ای است که در پیام عرض کرده‌ام؛ این سه عنصر اگر مورد توجّه قرار گرفتند، یک ملّت قوی میشود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سوّمی علم و دانش. درباره‌ی دانش، در این ده دوازده سال گذشته حرفهای زیادی زده شد و بحمدالله اثر کرد. امروز ما در دانش داریم پیش میرویم ــ که بعد باز شاید اشاره‌ای بکنم ــ امّا در مورد اقتصاد و در مورد فرهنگ، یک اهتمام بیش از متعارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی دربیاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست‌وبرخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملّت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، ما باید بکنیم؛ این همان [اقتصاد مقاومتی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1932) است که سیاستهای آن در اسفند ماه [ابلاغ شد](http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370)؛ بنده هم با مسئولان و مدیران برجسته‌ی کشور جلسه داشتم، مفصّل درباره‌ی آن صحبت کردیم؛ تجاوب هم کردند؛ یعنی مسئولان سه قوّه که خودشان هم در تنظیم این سیاستها مؤثّر بودند و حضور داشتند، استقبال کردند و گفتند ما این کار را انجام میدهیم. من میخواهم با مردم عزیزمان درباره‌ی اقتصاد مقاومتی اندکی امروز صحبت کنم و مردم از خود این حقیر، مطلبی را که میخواهم عرض کنم بشنوند.

**10** اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاستهای آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمیشود؛ اقتصادی است متّکی به مردم. سه سؤال درمورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح میکنم. سؤال اوّل این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیّات مثبت آن و خصوصیّات منفی و سلبیِ آن چیست؟ سؤال دوّم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را میدهیم، تحقّق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟ سؤال سوم: اگر تحقّق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب میدهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسئله‌ی فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسئله‌ی مهمّی است، عرایضی را عرض خواهم کرد.

سؤال اوّل: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. اوّلاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است ــ این آن جنبه‌ی مثبت ــ امّا منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجّه به این تکانه‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتّفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اوّل اینکه این حرکتی که ما داریم انجام میدهیم، دغدغه‌ی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوّم اینکه گفتیم. **11** این اقتصاد[اقتصاد مقاومتی] درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل [ظرفیّتهای خود کشور](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=4656) ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متّکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. امّا درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، امّا برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی [تعامل](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5275)دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، امّا درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملّت را و مسئولان را از این راه ـ که راه سعادت است ـ جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سوّم اینکه **12** این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقّق پیدا میکند. امّا «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیّتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیّت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیّت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعّالیّت اقتصادی دستِ مردم است، مال مردم است؛ امّا دولت ـ به‌عنوان یک مسئول عمومی ـ نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء‌استفاده کنند و دست به [فساد اقتصادی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1048) بزنند، جلوی آنها را میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.

چهارم، گفتیم **13** این اقتصاد[اقتصاد مقاومتی] ، [اقتصاد دانش‌بنیان](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2590) است یعنی از [پیشرفتهای علمی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1851) استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ امّا معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارتها ـ تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارتهای کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند ـ میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمّی هم به عهده‌ی اینها است.

پنجم، **14** این اقتصاد[اقتصاد مقاومتی] ، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای [اقتصاد سرمایه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2237) ـ [مثل] رشد ملّی، تولید ناخالص ملّی ــ اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملّی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملّی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملّی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، امّا کسانی هم در آن کشور از گرسنگی میمیرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت ـ عدالت اقتصادی و[عدالت اجتماعی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1031) در جامعه ـ یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، امّا معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجّه میشود، امّا بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملّی را افزایش دادن  است.

ششم، **15** در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حلّ مشکلات اقتصادی کشور است شکّی نیست، امّا معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است ـ که یک مقداری از آن مربوط به [تحریم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1226)است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است ـ نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. این سؤال اوّل.

سؤال دوّم این بود که آیا این برنامه‌ی اقتصادی که شما میگویید اقتصاد مقاومتی، یک امر خیالی و توهّمی است و آرزو دارید که انجام بگیرد؛ یا نه، عملاً ممکن است؟ پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به‌خاطر ظرفیّتها؛ چون این کشور، دارای ظرفیّتهای فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیّتهای کشور را عرض میکنم. اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب‌و‌غریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند.

**16** یکی از ظرفیّتهای مهمّ ما، ظرفیّت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیّت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیّت جوان کشور ــ از پانزده سال تا سی سال ــ یک حجم عظیم از ملّت ما را تشکیل میدهند؛ این خودش یک ظرفیّت است. تعداد ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها را داریم؛ ده میلیون از جوانهای ما در طول این سالها از دانشگاهها فارغ‌التّحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ‌التّحصیل میشوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که میگویم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیّت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، امّا تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التّحصیل داریم. علاوه‌ی بر اینها، میلیونها نیروی مجرّب و ماهر داریم. ببینید، همینهایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلّح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم ـ مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها ـ بود. یک عدّه افراد صنعتگر، ماهر، مجرّب، راه افتادند از تهران و شهرستانها ـ که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را میدیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنّی از آنها گذشته، امّا همان انگیزه و همان شور در آنها هست ـ رفتند داخل میدانهای جنگ، در صفوف مقدّم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پلهای عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلّح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جادّه، امثال اینها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرّب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله؛ تحصیل‌کرده نیستند، امّا تجربه‌ و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل‌کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

**17** یکی از ظرفیّتهای مهمّ کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا ــ شرق و غرب عالم ــ بیشتر است.

امسال که من دارم با شما حرف میزنم، کشفیّاتی درمورد گاز شده است که نشان میدهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی ــ که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد ــ در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزّات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگهای قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی ــ که مادر صنایع محسوب میشوند ــ در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیّت بزرگی است.

ظرفیّت دیگر موقعیّت جغرافیایی ما است؛ **18** ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیّت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمّی است.

یک ظرفیّت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این [سیاستهای اصل ۴۴](http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=165)، [سند چشم‌انداز](http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16995) و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سدّ و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیّتهای یک کشور است.

خب، **19**ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیّتها میتوانستید خوب استفاده کنید، امّا [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیّتها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، [تولید علم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1245) است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. **20** در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بِروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، امّا درعین‌حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلّولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موّفقیّت به دست آوردیم،

**21** در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کِی این تحریم را برمیدارد، کِی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه‌کار میتوانیم بکنیم.

سؤال سوم را مطرح کنم و جواب بدهم. سؤال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقّق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ خلاصه عرض میکنیم: اوّلاً مسئولان باید از [تولید ملّی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1252) حمایت کنند. تولید ملّی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملّی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملّی باید رونق پیدا کند.

دوّم، [صاحبان سرمایه](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2595) و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملّی اهمّیّت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند.

**22** بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حدّاکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقّت انجام بدهد؛ [رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1747&npt=8#47267)، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، [متقن](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1747)انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حدّاکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوّم، **23** صاحبان سرمایه در کشور، فعّالیّت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعّالیّتهای دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند ــ کم یا زیاد ــ و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند میخواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند ــ چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون ــ آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

بعدی، **24** مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملّی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من [دو سه سال قبل](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19301#11) از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عدّه‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، امّا همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف [تولیدات داخلی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1415)» عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز‌به‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملّی را افزایش داده‌اید.

**25** در گذشته، در دوران طاغوت، [ترجیح مصرف خارجی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2583) به‌عنوان یک سنّت بود؛ سراغ جنس که میرفتند، [میپرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به‌عکس بشود.

**26** نمیگوییم خرید جنس خارجی حرام است، امّا عرض میکنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر میگذارد. باید به این توجّه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است. البتّه در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر،

**27** مسئولیّت مسئولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت‌وپاش‌ها در رفتار مردم، به‌خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را "بزرگ‌ترها" میدانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است.

من این بخش را جمع بندی کنم. من عرض میکنم: **28** اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه میتوانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البتّه آنچه که ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به‌عهده‌ی صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.

بخش دوّم حرف من، درباره‌ی فرهنگ است. من در یک جمله عرض بکنم: **29** عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفّس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفّس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. الان درباره‌ی تولید داخلی حرف میزدیم؛ اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقّق پیدا کند، باید فرهنگ [مصرف] تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛

**30** اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمّیّت دارد. مثلاً در حوزه‌ی اجتماعی**31**[قانون‌گرایی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1370) ــ که مردم به قانون احترام بگذارند ــ یک فرهنگ است؛ **32** تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ **33** تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ **34** [تعداد فرزندان](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2630) یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛

**35** اگر خدای‌ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای‌ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند ــ [وَاتَّبِعوُا الشَّهَواتِ فَسَوفَ یَلقَونَ غَیّا](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=59#47268) (۱) ــ به آن سرنوشت دچار شدند. بنابراین تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد.

**36** هدف و آماج تحرّک دشمنان در زمینه‌ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه‌ی فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حسّاس باشند، باید هشیار باشند.

**37** نمیخواهیم بگوییم همه‌ی آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصّریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ امّا حضور دشمن را هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی نمیتوانیم فراموش کنیم. امروز و از روزهای اوّل انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه‌ی توش‌و‌توان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند. این کارِ فرهنگی است؟ ایمان مردم را مورد [تهاجم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1010)قرار دادند، باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار میدهند؛ این را نمیشود انسان ندیده بگیرد.

یک سؤالی اینجا ممکن است مطرح بشود که بگویند: خب شما میگویید مسئولین کشور حسّاس باشند، چقدر حسّاس باشند؟ آیا این با آزادی ــ که از شعارهای انقلاب است و جزو پایه‌های جمهوری اسلامی است ــ منافاتی ندارد؟ جواب این است که نخیر، با آزادی هیچ منافاتی ندارد؛

**38** آزادی غیر از ولنگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همه‌ی ضابطه‌ها است. آزادی ــ که نعمت بزرگ الهی است ــ خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه‌ی ایمان جوانان زدن دارند تلاش میکنند، نمیشود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیّه‌ی موادّ مسموم‌کننده‌ی بدن و بدبخت‌کننده‌ی خانواده‌ها را کسی بخواهد بین این ‌و آن توزیع کند،

**39** نمیشود بی‌تفاوت نشست. اینکه ببینیم کسانی با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از بیان، با استفاده‌ی از ابزارهای گوناگون، با استفاده‌ی از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست! در هیچ جای دنیا. همان کشورهایی که ادّعای آزادی میکنند، در آن خطوط قرمزی که دارند، بشدّت سخت‌گیرند. شما ببینید

**40** در کشورهای اروپایی کسی جرئت نمیکند راجع به [هولوکاست](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5070) حرف بزند که معلوم نیست اصل این قضیّه واقعیّت دارد یا ندارد، یا اگر واقعیّت دارد، به چه شکلی بوده؛ اظهار نظر درباره‌ی هولوکاست، تردید درباره‌ی هولوکاست، یکی از بزرگ‌ترین گناهان محسوب میشود، جلویش را میگیرند، طرف را میگیرند، زندانی میکنند، تعقیب قضائی میکنند؛ مدّعی آزادی هم هستند. آنچه که برای او خطّ قرمز است، در مقابل او با چنگ‌ودندان می‌ایستد. چطور از ما توقّع دارند که خطوط قرمز اعتقادی و انقلابی کشورمان و جوانانمان را ندیده بگیریم؟ اگر یک کسی است که روح استقلال ملّی را نشانه میرود ـ

**41** الان هستند کسانی که صحبت استقلال که میشود، استقلال را مسخره میکنند، میگویند این عقب‌افتاد‌گی است، استقلال چیست ـ و میخواهد وابستگی را تئوریزه کند، استقلال را مسخره کند، دلهای جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند، نمیشود در مقابل او بی‌تفاوت ماند؛ باید در مقابل او عکس‌العمل نشان داد. یکی به ضروریّات اخلاقی و دینی جامعه اهانت میکند، زبان فارسی را مسخره میکند، [خلقیّات ایرانی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2984) را تحقیر میکند؛ اینها هست‌؛ اینها وجود دارد الان.

**42** کسانی سعی‌شان این است که بزنند توی سر روح [عزّت ملّی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1349) جوان ایرانی؛ مکرّر خلقیّات منفی را نسبت میدهند: از اروپایی‌ها یاد بگیرید، از غربیها یاد بگیرید، همدیگر را تحمّل میکنند، ما همدیگر را تحمّل نمیکنیم! واقع قضیّه این است؟ در خیابانهای کشورهای اروپایی و پایتختهای اروپایی ــ حالا، نه بیست سال قبل و پنجاه سال قبل ــ یک نفری که اندکی حجابش را مراعات کرده، مورد تهاجم جوانها قرار میگیرد، جلوی چشم مردم میزنند زن محجّبه را مجروح میکنند یا میکشند، کسی جرئت نمیکند بگوید چرا! کسی را به‌عنوان اینکه این اهل آن کشور نیست، جلوی چشم مردم آتش میزنند! این تحمّل مخالف است؟ این چیزی است که همین تازه اتّفاق افتاد؛ چند ماه قبل از این جوانهای الواط یکی از شهرهای یکی از کشورهای اروپایی، یک ایرانی را کتک میزنند، بعد رویش بنزین میریزند، آتشش میزنند، همسایه‌ها هم وامی‌ایستند برّوبر نگاه میکنند، عکس‌العملی نشان نمیدهند! این تحمّل مخالف است؟ آن ‌کسانی ‌که ملّت ایران را و ملّیّت ایرانی را و خلقیّات ایرانی را تحقیر میکنند؛ آ‌ن‌ کسانی ‌که مبانی اسلامی را در [ذهنها متزلزل](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1653) میکنند، آ‌ن ‌کسانی ‌که شعارهای اصلی انقلاب را مورد تعرّض جدّی قرار میدهند، آ‌ن ‌کسانی ‌که نهاد خانواده را بی‌ارزش جلوه میدهند و ازدواج را بی‌معنی وانمود میکنند ـ اینها امروز در جامعه‌ی ما هست؛ کسانی این کارها را دارند میکنند ـ آ‌ن ‌کسانی ‌که لذّت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش میدانند ــ لذّت؛

**43** «اصالة‌اللّذّه» همان سوغات فرهنگ غربی است؛

**44** «اصالة‌اللّذّه» همان سوغات فرهنگ غربی است؛ هرچه موجب لذّت بشود؛ خب، یکی با اعتیاد لذّت میبرد، یکی با شهوات جنسی لذّت میبرد، یکی با کتک زدن این ‌و آن لذّت میبرد؛ هرچه مایه‌ی لذّت کسی باشد، این را مباح میدانند ـ کسانی‌ که این حرفها را ترویج میکنند، نمیشود در مقابل اینها بی‌تفاوت ماند. کسانی اباحه‌گری را ترویج میکنند. دستگاهها باید احساس وظیفه کنند. در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب‌کنند‌گان فرهنگ انجام میدهند این است که به‌جای عزم راسخ ملّی، تردید را در مردم ترویج میکنند. **45** یک ملّت تا عزم راسخ نداشته‌ باشد، نمیتواند به هیچ‌جا برسد؛ سعی میکنند عزم راسخ ملّت را در مسائل مهمّ مربوط به سرنوشت کشور به هم بزنند، در آنها تردید ایجاد کنند؛

**46** جای احساس عزّت و [اعتمادبه‌نفس ملّی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=998)، احساس حقارت ملّی را به آنها تزریق میکنند؛ جای ایمان راسخ، [شبهه‌افکنی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1326) و بی‌اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همّت بلند، لذّت‌جویی و شهوت‌رانی و از این قبیل؛ این کارها کارهایی است که انجام میگیرد. دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور بایستی وظایف خودشان را در مقابل اینها انجام بدهند.

البتّه **47** بعضی از وظایف، وظایف ایجابی است، بعضی از وظایف هم وظایف دفاعی است؛ هر دوی اینها باید انجام بگیرد؛ هم وظایف ایجابی، هم وظایف دفاعی. دستگاههای تبلیغاتی کشور ما ــ چه آنهایی که مستقیماً مربوط به دولتند، چه آنهایی که مستقیم مربوط به دولت نیستند ــ از هوچی‌گری رسانه‌های بیگانه یا رسانه‌هایی که زبان بیگانه را در کام خودشان دارند، نباید بهراسند، رفتارشان را با آنها تنظیم نباید بکنند؛ این مربوط به دستگاه های رسمی فرهنگی.

امّا آنچه نقطه‌ی مهم‌تر عرض من است، خطاب به جوانهایی است که در سرتاسر کشور فعّالیّتهای فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند که بحمدالله خیلی هم وسیع شده است.

**48** من میخواهم بگویم آن جوانهایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استانهای مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی میکنند، با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان ـ کارهای بسیار خوبی هم از آنها ناشی شده است که از بعضی از آنها ما بحمدالله اطّلاع پیدا کردیم ـ کار را هرچه میتوانند به‌طور جدّی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوانهای مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملّت، ایفا کرده است. علاوه‌ی بر اینها، مَراجع فرهنگی. مَراجع فرهنگی یعنی چه کسانی؟ یعنی علما، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهّد، اینها نگاه نقّادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکّر بدهند. البتّه من در مورد تذکّرات، معتقدم باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت‌زنی و جنجال‌آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم. **49**

اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور ـ که بحمدالله تعداد بی‌شماری از آنها در بین جوانهای ما، در بین صاحب‌نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما حضور دارند ـ میتوانند با منطقِ محکم وارد میدان بشوند، نقّادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشانند. گاهی میشود که مسئول، متوجّه نیست چه دارد میگذرد در متن جامعه، امّا آن جوان در متن جامعه است، او میفهمد؛ آن عزم ملّی و مدیریّت جهادی که عرض کردیم در زمینه‌ی فرهنگ، این است.

من در پایان عرایضم یک نکته را به شما ملّت ایران عرض بکنم:

**50** بدانید که واقعیّات جامعه‌ی جهانی بر طبق خواسته‌ها و نیّات آمریکا به پیش نمیرود. آنچه استکبار جهانی و دشمنان عنود ملّت ایران خواسته‌اند تحقّق پیدا کند، در عرصه‌ی گسترده‌ی جهانی تحقّق پیدا نکرده و ان‌شاءالله تحقّق هم پیدا نخواهد کرد

.**51**  آمریکا در فلسطین ناکام مانده است. نقشه‌ای که برای فلسطین داشتند و خیلی هم تلاش کردند، پیش نرفته است و ان‌شاءالله پیش نخواهد رفت. اینها میخواهند کشور فلسطین را تبدیل کنند به یک کشور [یهودی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1621). یعنی فلسطینی ـ چه مسلمان، چه مسیحی ـ در فلسطین امکان زندگی کردن نداشته باشد؛ یعنی کار فلسطین را بکلّی تمام کنند. این کار را دنبال کردند؛ خیلی هم تلاش کردند در این چند سال، نتوانستند. آمریکا در فلسطین به نتیجه نرسید، در سوریه به نتیجه نرسید، در عراق به نتیجه نرسید، در افغانستان و در پاکستان مقاصدی که داشت تحقّق پیدا نکرد، اخیراً در اروپا هم ملاحظه میکنید و میشنوید که نقشه‌های آمریکا نقش بر آب شده است. باید بدانیم در کشور عزیز ما هم، آنها بعد از سی سال تلاشی که علیه این انقلاب انجام دادند و علیه ملّت انقلابی ما انجام دادند، باز نتوانستند به نتایجی دست پیدا کنند؛ نشانه‌اش همین حضور مردم است.

**52** افراد مؤثّر در دولت آمریکا و نظام آمریکا این را صریحاً گفتند، گفتند ما تحریمها را به‌وجود آوردیم و تشدید کردیم که مردم را ضدّ نظام، بکشانیم به خیابانها؛ این را صریحاً گفتند که تحریم برای این است که انقلاب را ریشه‌کن کنند و مردم را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که عرض کردیم، در سال ۱۳۹۲ انتخاباتی انجام گرفت با نصاب بالا از[مشارکت مردم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3314)، و در بیست‌ودوّم بهمن سال ۹۲، راهپیمایی‌ای انجام گرفت پرشورتر و وسیع‌تر و بزرگ‌تر از راهپیمایی‌های هرسال دیگر؛ و این همان مطلبی است که من بارها تکرار میکنم: **53** جوانان عزیز ما بدانند، آینده مال شما است، دشمنان شما محکوم به شکستند به توفیق الهی، و امیدواریم خداوند متعال همه‌ی شما را با توفیقات خودش به راه‌های سعادت رهنمون بشود، و قلب مقدّس ولیّ عصر را از ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

|  |  |
| --- | --- |
| Supreme Leader’s Speech at the Shrine of Imam Ridha (a.s.) | [Print](http://english.khamenei.ir/index2.php?option=com_content&task=view&id=1891&pop=1&page=0&Itemid=4) |

|  |
| --- |
| *The following is the full text of the speech delivered on March 21, 2014 by Ayatollah Khamenei, the Supreme Leader of Islamic Revolution, in a meeting with a large gathering of pilgrims at Imam Ridha's (a.s.) shrine in the holy city of Mashhad. The meeting was held on the first day of the year 1393.*  **In the Name of Allah, the Beneficent, the Merciful**  All praise is due to Allah, the Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master and Prophet and the love of our hearts, Ab-al-Qassem al-Mustafa Muhammad, upon his immaculate, pure, chosen and infallible household, especially the one remaining with Allah on earth. Allah, Your blessings be upon Fatimah, her father, her husband and her children. Allah, bestow as many blessings upon Your representative – Ali ibn Musa - as Your knowledge encompasses. Bestow Your blessing upon him, one that is as permanent as Your greatness and Your magnificence. Allah, send as many greetings to Your representative – Ali ibn Musa ar-Ridha – as Your knowledge emcompasses. Send Your greeting to him, one that is as permanent as Your glory, Your greatness and Your magnificence.  I thank Allah the Exalted for giving me the opportunity and letting me live long enough to speak to you dear brothers and sisters once more and one more year in this enlightened and divine shrine and among this enthusiastic and friendly group of people. I deem it necessary to congratulate all the dear brothers and sisters who are listening to my statements and all the people of Iran on the occasion of Norouz and the arrival of the new year.  I ask Allah the Exalted to bestow an auspicious year and a happy life on the people of Iran and all Muslims throughout the world. I hope that Allah the Exalted bestows his blessings so that the year which started from today will be in line with the dignity of the great people of Iran. I hope that it will be a year which is full of divine blessings and divine attention.  I would like to say a few things about the year 1392 which came to an end yesterday. In the message that I issued in the beginning of this year, I pointed out that the people of Iran achieved political valor in the year 1392. Without a doubt, political valor showed itself most visibly in two great movements of the people of Iran: one was the presidential election which was held in the middle of the first half of the year and the other was the massive and great rallies of the people of Iran in the second half of the year.  We have said many things about elections, both last year’s presidential elections and many other elections which have been held from the beginning of the Revolution until today. Also, both this humble person and other people have said many things – which we do not want to repeat - about the massive and great rallies on the 22nd of Bahman. There are two points about these two events, both of which are comprehensive broadcast about the conditions of our country and our people in the face of the malevolent mudslinging of global propaganda. There is a point about both of these two events. Before I speak about the issues related to the year 1393, I would like to discuss these two points.  The first point is about elections. You dear brothers and sisters should pay attention that the people’s turnout in the elections has not decreased from the beginning of the Revolution until today. This is very important. In the last elections – that is to say, the eleventh presidential elections – 72 percent of the people went to the ballot boxes. This is a high figure among the elections which are held throughout the world and this is an outstanding turnout. This is one of the highest figures in the elections which have been held from the beginning of the Revolution until today.  What does this mean?1 The meaning of this great participation of the people in the elections is that religious democracy has been firmly established in the country. It means that the Islamic Republic has managed to establish democracy in the country. This is not a minor achievement.  2 A country that witnessed different oppressive and dictatorial rulers over the course of many centuries has gained such a familiarity and has formed such a strong bond with democracy and participation in electing the owners of power that 72 percent of the people participate in the elections even after the passage of 35 years from the excitements of the early revolutionary era. This should be appreciated.  3 I would tell you youth and all the intellectuals throughout the country that we should not show ingratitude towards this great blessing the way some people showed ingratitude towards this divine blessing in the year 1388. Also, if some people say that the elections in the country are unhealthy – this means echoing what the enemy says – this is another case of ingratitude.  4 Democracy in the country has turned into a standard process. This is why the people throughout the country – in villages and cities – consider themselves to be responsible towards ballot boxes. This is why they go to ballot boxes and this is why 72 percent of the people vote. This is a very important issue. This is a high figure in the elections that are held throughout the world.    The second point that my dear brothers and sisters should pay attention to is about the rallies on the 22nd of Bahman. There are certain people who calculate or make a guess – with different cameras and other devices - the number of participants in these rallies. This year, all those people who have been active in these areas and all those people who carefully observed these rallies reported to us that the number of participants in Tehran and other big and well-known cities was even larger than previous years. They reported that the rallies were even more enthusiastic than previous years. That is to say, the people’s slogans were meaningful and exciting.  Why did they participate in such large numbers? The analysts who analyze different issues came to the conclusion – in our opinion, their conclusion is correct  5 – that the tone of influential elements among the policymakers of arrogance was more impolite and more insulting this year. This was the reason for the great participation of the people in the rallies. After the nuclear negotiations were conducted, American politicians said, “It is clear that the people of Iran have changed their mind about their slogans and their principles”. They spoke to the people of Iran in an impolite and insulting tone.  The people heard what they said. They became aware of their statements.    6 When the enemy enters the arena with his real or close-to-real face, the people become more motivated and more determined to enter the arena. 7 Because the people saw that the Americans speak in an impolite manner to them and that they accuse them of separating from the Islamic Republic, they wanted to show on the 22nd of Bahman that they are attached - with all their heart - to the Islamic government, the Islamic Republic and the hoisted flag of Islam.        This signifies the sensitivity and commitment of our people in the face of the enmity and malevolence of the enemies of the Islamic Republic and the enemies of Iran. This was the point about the rallies on the 22nd of Bahman.  As for the issues which are related to this year, I have written down certain points. I have certain things to say and by Allah’s favor, I try to briefly discuss what I have in mind during the time that we have. Today is Friday and our time is limited because we should say Friday prayers at the end. But even if some things are left unsaid, I hope that they will be reflected in the statements of experts and those wise personalities who understand what the policies of the Islamic Republic are and what is being done. They should reflect them in their statements so that these issues become clear to public opinion.  The core point of the speech that I want to deliver today is that 8 the people of Iran should strengthen themselves. This is what I want to say. The issue is about national power. I would tell our dear people that if a people are not strong and if they are weak, they will be bullied. If a people are not strong, global blackmailers will blackmail and extort them. If these blackmailers can, they will trample upon them. This is the nature of a world which is managed by materialistic thoughts. Whoever feels powerful, bullies those people – whether individuals or nations - whom he considers to be weak.  A well-known poet says, “Death is natural for the weak. Any strong person becomes weak first and then he dies”. There is a story which says, “A fried chicken was brought to a person who did not eat chicken or any other kind of meat. He looked at it and cried tears of sorrow. Addressing the chicken in front of him, he said, ‘Which angry lion could you not escape from so that no one can bring you to the slaughterhouse? If you could have defended yourself and if you had had power inside you, they would not have dared to cut off your head in this way’”.  I believe neither in this poet nor in Abul Ala Al-Maari who recounted this story. But I believe that death is natural for the weak in a world which is managed by materialistic thoughts. I believe in this. If a people do not collect and strengthen themselves, they will be bullied.  There are a number of nations who are a long way away from becoming strong. They have no hope of gaining the power to confront bullies and global thugs. But this is not the case with our people. First, we have a great talent to strengthen ourselves and we have many resources and capacities. Our people have moved towards national power and they have traveled a long distance on this path.  For this reason, I find the general roadmap for the year 1393 in the two elements which I pointed out in this year’s new year message: economy and culture with national determination and jihadi management.  9 Military weapons are not the only factor which plays a role in helping a people strengthen themselves. Of course, weapons are necessary, but no people can become strong only with weapons. When I think about this issue, I find three elements, two of which are what I pointed out in the Norouz message. If these three elements receive attention, any people can become strong. One is economy, another is culture and the third is knowledge.  Many things have been said about knowledge during the past 12 years. Thankfully, what was said was effective. Today, we are moving forward in the area of knowledge. Later on, I may bring up the issue of knowledge again. But we need an extraordinary effort in the area of economy and culture in order to develop the economy of the country in a way that no one on the other side of the world can influence our economy and the living conditions of our people with one single decision and with one single meeting. This is in our own hands. It is we who should do this. This means the economy of resistance whose policies were formulated in the month of Esfand.  I myself had a meeting with the officials and outstanding managers of the country. We spoke at length about this issue and they responded positively. That is to say, the officials of the three branches of government – who played a role and who participated in formulating the policies on the economy of resistance – welcomed these policies and said that they would follow up this matter. Today, I would like to speak a little to our dear people about the economy of resistance so that the people hear my viewpoints on this issue from this humble person himself.  10 The economy of resistance means the kind of economy which is resistant and which is not strongly influenced by global fluctuations and by the policies of America and other countries. It is an economy which is reliant on people.  There are three questions about the economy of resistance which is, in fact, a resistant economy. I would like to pose these three questions. The first question is: what is and what is not the economy of resistance? What are its positive and its negative characteristics? The second question is: Is the economy of resistance, whose slogans we are chanting, achievable and possible or is it a pure illusion? And the third question is: if it is possible to achieve the economy of resistance, what are its requirements? What should be done to achieve this economy? Today, I answer these three questions. This is related to the economy. After discussing this issue, I will raise certain points about the issue of culture which I believe to be a very important issue.  The first question is: what is and what is not the economy of resistance? Primarily, it is an appropriate and knowledge-based paradigm which is in line with the needs of our country. This is the positive aspect of this paradigm. But this paradigm is not particular to our country. Today, many countries have thought of this – according to their own specific conditions – considering the social and economic fluctuations which have occurred during the past 20 years. So, the first issue is that other countries too are after the movement which we are launching and that it is not particular to us.    11 The second point is that, as we said, this economy grows from the inside. What does this mean? It means that it originates from the capacities of our own country and our own people. The growth of this seed and this tree is reliant on the resources of our own country. This is the meaning of growing from the inside.  But at the same it, it is not introverted. That is to say, the economy of resistance does not mean that we should build a wall around our economy and that we should confine it to domestic areas. This is not what we mean by the economy of resistance. It grows from the inside, but it is extroverted. It interacts with global economies and it has powerful relations with the economies of other countries. Therefore, it grows from the inside, but it is not introverted.  The reason why I am saying is that many malevolent pens, tongues and brains - who are active in all areas - are trying to promote the idea that the officials of the Islamic Republic want to limit the economy of the country and confine it to domestic areas. They are carrying out different analyses in order to separate the people and officials from this path, which is the path of happiness. I am saying these things so that it becomes clear to public opinion inside the country what their intentions are.    12 The third point is that what has been introduced as the economy of resistance is based on the people. It does not pivot around the government. That is to say, it is not governmental economy. Rather, it is a popular economy, one that is achieved with the determination, resources and presence of the people. But the fact that it is not governmental does not mean the administration does not have any responsibility towards it. This is not the case.  The administration is responsible for making plans, preparing the ground, developing capacities and offering guidance and assistance. Economic tasks and activities are in the hands of the people and they belong to the people, but the administration engages in supervision, guidance and assistance as a public stakeholder. It prevents those people who want to take advantage of the situation and engage in economic corruption. It helps those people who need help. Therefore, preparing the ground and facilitating tasks are the responsibilities of the administration.    The fourth point is that, as we said, 13 this economy is a knowledge-based economy. It utilizes and relies on scientific achievements and it makes knowledge the pivot of economy. But this does not mean that the economy of resistance is particular to scientists and scholars and that it is only they who can play a role in the economy of resistance. This is not what the economy of resistance means.  Experiences and skills – the experiences of the owners of industries and the skills of those laborers who are experienced and competent – can be effective and they can play a part in this economy. When it is said that the economy of resistance is knowledge-based, this does not mean that those experienced, industrial and agricultural personalities who have accomplished great feats over the course of many years should not play any part. This is not the case. They have a very important role in this regard.  The fifth point is that 14 this economy is justice-based. The standards of the capitalist economy such as national growth and gross national production are not the only standards that it relies on. In this economy, the issue is not only about the rate of national growth and gross national production. These are things which global standards and capitalist economies pivot around. A country may have a high GNP, but some people inside this country may die of hunger. We do not believe in such an economy.  Therefore, the standard of justice – economic and social justice – is one of the important standards in the economy of resistance. But it does not mean that we should show indifference to the existing knowledge-based standards in the world. The economy of resistance does not mean that we should do this. These standards receive attention as well, but the task pivots around justice. Justice on this issue and in this paradigm does not mean the division of poverty among people. Rather, it means generating capital and increasing national wealth.    The sixth point is: 15 there is no doubt that the economy of resistance is the best solution for solving the economic problems of the country. But this does not mean that it is confined to the problems which exist today. It is not the case that part of the economy of resistance results from sanctions and part of it results from, say, the ineffectiveness of such and such a plan. This economy is permanent. The economy of resistance means making the economy resistant and strengthening its bases. Such an economy will be fertile and it will help the people whether during the time of economic sanctions or during any other time. This was the answer to the first question.  The second question was: is the economic plan that we call the economy of resistance a mere illusion and wish or is it achievable? The answer is that it is completely achievable. Why? It is because of the capacities of this country. It is because this country has extraordinary capacities. I would like to mention a number of the capacities of the country. These are capacities which do not need complicated statistics. They are in front of the eyes of everyone. Everyone sees these capacities.    16 One of the important capacities of our country is manpower. Manpower is one of our greatest capacities and it is a great opportunity. As I said before, the youth of the country – whose age range is 15-30 years – form a large percentage of the population of the country. This is a capacity. We have ten million university graduates. Ten million of our youth have graduated during these years. In the present time, we have more than four million students who will graduate in a few years. The dear youth should know that this is 25 times more than the number of students in the late taghuti era. The population of the country has doubled compared to that era, but the number of students has increased by 25 times. Today, we have this number of students and graduates.  Besides, we have millions of experienced and skilled forces. Notice that these were the forces which came to the help of our Armed Forces during the time of war. During the time of the imposed war, one of our problems was the breakdown of our machines, the bombardment of our different centers, the poverty of our Armed Forces because of a lack of necessary equipment such as different means of transportation and the like.  A group of industrialists and a number of skilled and experienced individuals went from Tehran and other cities to the arena of war. I myself witnessed this in the beginning of the war and I used to see these individuals up close. Thankfully, I had the opportunity to meet them recently. A group of them came to see me. At that time, they were young, but now they have reached an old age although they still have the same motivation and enthusiasm. They went to the front lines and some of them were martyred.  In the war, they carried out repairs and engaged in industrial construction. The astonishing bridges which proved valuable to our Armed Forces during the war were built by these experienced and skilled forces. It was these individuals who engaged in many other constructions such as vehicles, roads and the like.  Today, there are such people as well. Thankfully, there are not a few such personalities. Although they are not well-educated, in certain cases, the experiences and skills that they have are more – in number – better and more valuable than well-educated individuals. This is one of the capacities of our manpower. We have such manpower both in the area of agriculture and in the area of industry.  17 One of the important capacities of our country is its natural resources. Last year, I said in the same meeting that our country has the highest amount of oil and gas combined. That is to say, there is no country in the world which has as much oil and gas – combined – as we do. The sum of our oil and gas is more than all the countries in the world including countries in the east and in the west.  At this point that I am speaking to you, certain discoveries have been made about gas which show our gas supplies have increased compared to the gas supplies that we had last year. This is our condition in the area of oil and gas. This means that the most supplies of energy exist in our country. The entire world is dependent on energy for its light, its heat, its industries and its progress. That is to say, the entire world is dependent on oil and gas.  Besides, throughout the country, there are many gold mines and mines which contain rare metals. There are iron ores, precious stones and different kinds of essential and fundamental metals – which are considered to be the mother of industries – in the country. This is another great capacity.  18 Another capacity is our geographical location. We have 15 neighbors which we have business interactions with. Transit networks are one of the great opportunities for all countries. We benefit from this opportunity as well. In the south, these networks are connected to international waters and in the north, they are connected to territorial waters. In our neighboring countries, about 370 million people live. This number of interactions and this number of neighbors is a great opportunity for the economic blossoming of a country. As well as this opportunity, we benefit from a domestic market. We have a 75-million market which is important for any economy.  Another capacity which exists in the country is software and hardware infrastructures. The policies on the Article 44 of the Constitution, the strategic plan, the measures which have been carried out during the recent years and the various infrastructures such as roads, dams, bridges, factories and the like are examples of infrastructures. These are very good areas for the economic progress of the country. These are the capacities of a country.  19 Well, someone may say, “If sanctions did not exist, you could utilize these capacities in the right way. But you cannot utilize them because of sanctions”. This is wrong. This is an inaccurate statement. Despite sanctions, we have managed to make outstanding and lofty achievements in many areas. One example is production of knowledge. Another example is our achievements in the area of industry and technology.  20 We were and still are under sanctions in these areas. In the present time too, the doors of important and up-to-date scientific centers - which work on advanced and modern sciences - are closed to Iranian scientists and students. But we have managed to make progress in the nuclear area and in the area of nanotechnology, stem cells, defense industries, airplanes and missiles- to the despair of the enemy. Why should we not be able to make progress in the area of economy?  We - who have made so many achievements on these scenes and in different arenas – 21 can make the economy blossom if we show determination and join hands. We should not pin our hopes on the enemy to see when he lifts sanctions and when he agrees to something. Damn the enemy! We should see what we ourselves can do.  Now, I want to pose and answer the third question. The third question was: what are the requirements of achieving this great task, the economy of resistance? What should be done in this regard? I would tell you in brief that primarily, officials should support national production. National production is the basis and the main link in the chain of the progress of the economy.  Officials should support national production. How should they do this? Wherever there is a need for a certain law, they should provide legal support. Wherever there is a need for judicial support, they should provide it. Wherever there is a need for executive support, they should fulfill it. They should provide encouragement and adopt certain measures. These tasks should be carried out and national production should be boosted.  The second point in this regard is about investors and laborers who are, in fact, the producers of the country. They should pay attention to national production as well. What does this mean?    22 It means that they should increase the output. Increasing the output means making maximum use of the existing resources.  Laborers should carry out the task in hand in a careful way. “God’s mercy be upon those who carry out the task in a proper and firm way”. This is the meaning of increasing the output. The Holy Prophet (s.w.a.) has been quoted as saying, “God’s mercy be upon those who carry out the task in a proper and firm way”. Those who make an investment should try to make maximum use of it. That is to say, they should reduce the cost of production. Some of the wrong measures and policies push up the cost of production and decrease the output of investment and the task in hand.    23 The third point is that the owners of capital in the country should prefer productive activities to other ones. We have seen a number of people who had some capital – small or large – and who could have invested it in certain businesses to earn a lot of money, but who did not. Instead, they turned to production. They said, “We want to boost the production of the country”. This is a good deed and a charitable act. This is one of the best tasks. Those who have capital – whether small or large – should use it at the service of the production of the country.  The next point is 24 that the people at all levels should promote national production. What does this mean? It means what I emphatically discussed two, three years ago in this meeting. Fortunately, a group of people acted on my advice. But everyone should act on it. The piece of advice that I offered was that we should consume domestic products  . My dear ones, when you buy domestic goods instead of foreign ones, you are - in fact - creating employment and making Iranian laborers bring their innovative capabilities to the arena.  When domestic products are consumed, producers increase the innovative ideas that they have on a daily basis. When you consume domestic products, you are, in fact, increasing national wealth.  25 In the past – during the time of taghut – preferring foreign products was a tradition. Whenever they wanted to buy something, they used to ask, “Is it foreign or domestic?” if it was foreign, they would like to buy it.  This should change. We should do the opposite.  26 I am not saying that buying foreign products is haraam. What I am saying is that buying domestic products is a necessity for making the economy resistant. This affects everything in this country. It should receive attention and this is the role of all the people.  Of course, like many other issues 27, the responsibility of the officials and managers of the country is more than other people on this issue too. Many extravagant and excessive actions in the behavior of the people result from copying the behavior of those people who are considered to be seniors. If extravagance does not exist at high levels, the people live a less extravagant life as well. Therefore, preferring domestic products is one of the tasks.  Let us reach a conclusion and get this part finished. 28 I would tell you that the economy of resistance, which means making the bases of the economy resistant, is one of our public responsibilities in the present time. Everyone can play a part in it including the officials in the three branches of government, all the people, those who are skilled at doing something, those who have capital and experts. What we discussed was a summary of what should be said. It is the responsibility of experts to expand on this issue.  The second part of my speech is about culture. 29 My dear ones, I would tell you in one sentence that culture is even more important than economy. Why? It is because culture is like the air we breathe. You have to breathe air, whether you like it or not. If this air is clean, it will have certain effects on your body. If it is dirty, it will have certain other effects. The culture of a country is like the air that we breathe. If it is good, it will have certain effects.  We were just speaking about consuming domestic products.  If we want the consumption of domestic products to be firmly established in the real sense of the word, we should instill the culture of consuming domestic products into the minds of the people. 30 If we want the people to avoid extravagance, we should do something to make the people believe in this.  This means culture. Culture means people’s beliefs, faith, customs and those things which people deal with in their daily lives and which are a source of inspiration for them in their moves and in their actions. Culture is this. Therefore, it has great significance. For example, in social areas,31 the spirit of observing the law should be promoted among the people so that they respect the law. This is a culture.32 Social cooperation is a culture. 33 Starting a family and getting married is a culture. 34The number of children is a culture.  If the people adopt a proper outlook and orientation on such issues, life in society will be of a certain kind.  35 If, God forbid, they adopt a wrong orientation, life in society will be of a certain other kind. If this happens, we will – God forbid – face the same disaster that those countries which destroyed the family and its foundation and which promoted decadence face today. “But there came after them an evil generation, who neglected prayers and who followed sensual desires, so they shall meet perdition” [The Holy Quran, 19: 59].  The enemies focus on culture more than anything else. Why? It is because of the great influence of culture. 36 The target of the cultural moves of the enemies is the people’s faith and beliefs. The officials in charge of cultural affairs should take care of cultural rifts. Cultural rifts are very dangerous. They should be sensitive about these rifts and they should be vigilant.  37 I do not want to say that foreigners are responsible for all cultural detriments. This is not what I am saying. We ourselves are to blame as well. The behavior of different officials – both officials in charge of cultural affairs and officials in charge of other affairs – laziness and wrong measures in different areas have played a role in this regard as well.  So, we do not want to pin all the blame on the enemy. But we cannot forget about the presence of the enemy in cultural areas either. From the early days of the Revolution until today, propaganda networks have been doing their best to make the people lose belief in the bases of the Revolution. Is this a cultural activity? They attacked the people’s faith and their heartfelt beliefs. This cannot be ignored.  A question may be asked in this regard. Well, someone may ask, “You are saying that the officials of the country should be sensitive. How sensitive should they be? Does this not contradict freedom which is one of the slogans of the Revolution and one of the bases of the Islamic Republic?” The answer is no. It does not contradict freedom at all.  38 Freedom is different from decadence. Freedom is different from forgetting about all rules and regulations. Freedom, which is a great divine blessing, has certain rules and regulations. Without rules, freedom is meaningless. If there are some people in the country who are trying to take away youth’s faith, we cannot stand aside and watch this just because this is freedom. Similarly, if someone wants to distribute heroin and other such poisonous substances – which destroy families  – 39 we cannot be indifferent. If we witness that some people want to make the people deviate from their path, target their faith and create a rift in the Islamic and revolutionary culture of the people by using art, money and different discourses and means, we cannot watch this and say that this is freedom.  Such a freedom does not exist anywhere in the world. It does not exist anywhere in the world. Those countries that claim to support freedom have certain red lines about which they are very strict. 40 Notice that no one in European countries dares to speak about holocaust while it is not clear whether the core of this matter is a reality or not. Even if it is a reality, it is not clear how it happened. Speaking about holocaust and expressing doubts about it is considered to be a great sin. If someone does this, they stop, arrest, imprison and sue him. This is while they claim to be the supporters of freedom.  The enemies stick to what is considered to be a red line for them with all their power. So, how do they expect us to ignore the ideological and revolutionary red lines of our country and our youth? If there is someone who targets the spirit of national independence, 41 who wants to theoretically justify dependence, who ridicules independence and who discourages youth from living an independent life, we cannot be indifferent towards them. We should react to what they do.  In the present time, there are some people who ridicule independence when it is brought up. They say, “It is backwardness. What is independence?” Such people insult the moral and religious necessities of society, they ridicule the Persian language and they humiliate Iranian customs.  Such things exist. These things exist in the present time. 42 There are some people who try to humiliate the spirit of the national dignity of Iranian youth. They constantly promote negative outlooks. They say, “Learn from the Europeans, learn from westerners. They tolerate one another while we do not.” Is this really the truth of the matter? On the streets of European countries and European capitals, a woman who observes hijab to some degree is attacked by youth. In front of the eyes of the people, they beat or kill this woman who has observed her hijab and no one dares to ask why.  This is happening in the present time. It did not happen 20, 50 years ago. In front of the eyes of the people, they burn someone with the excuse that they are not a native. Is this tolerating opposing views? This is what happened recently. A few months ago, one of the thuggish youth in a European city began to beat an Iranian individual. Then, he poured petrol over him and burned him. This was while neighbors stood aside and watched it with indifference. They did not show any reaction. Is this tolerating opposing views?  We cannot adopt an indifferent outlook towards those people who humiliate the people of Iran, Iranian nationality and Iranian customs, who weaken Islamic principles in the minds of the people, who seriously target the main slogans of the Revolution, who portray the foundation of the family as worthless and who pretend that marriage is meaningless – these things exist in our society today and some people are doing such things – who consider hedonism to be an ideal and a value and who promote such ideas.  Intemperance –43 hedonism [speaking in Arabic] – is a western souvenir.44 They promote whatever brings pleasure. Well, one person derives pleasure from addiction, another person derives pleasure from sexual desires and another derives it from beating people. They allow whatever is a source of pleasure.  Some people promote self-indulgence and boundless freedom. Our organizations should feel responsible in the face of such people. What cultural vandals do is that they raise doubt among the people instead of promoting firm national determination. 45As long as a people do not have firm determination, they get nowhere. They are trying to take away the people’s firm determination in those important areas which are related to the fate of the country.  46 They are trying to make the people doubt their firm determination. They are trying to inject into them the feeling of national humiliation instead of the feeling of national dignity and self-confidence. They want to inject into them doubt and atheism instead of firm faith. They want to inject into them hedonism, decadence and the like instead of hard work, diligence and great determination.  The official organizations of the country - those which are in charge of cultural affairs - should carry out their responsibilities in the face of these people.  47 Of course, some responsibilities are offensive responsibilities and some are defensive responsibilities. Both kinds of responsibilities should be carried out. Both offensive and defensive responsibilities should be carried out.  The promotional organizations of our country – whether those which are directly affiliated with the administration or those which are indirectly affiliated with it – should not fear the uproar of foreign networks or those networks which use the discourse of foreigners. They should not coordinate their behavior with such networks. This was related to the official organizations in charge of cultural affairs.  But the more important part of my speech is addressed to those youth who carry out cultural activities throughout the country in a voluntary way. Thankfully, these activities are very wide in scope. 48 What I want to say is that those youth who do cultural work in Tehran, in different cities – including Mashhad and other cities – and in different provinces with their determination and motivation should follow up and continue the task as seriously as they can. They have carried out good tasks, some of which we have thankfully been informed of.  They should know that the development of cultural tasks among religious and revolutionary youth has played a great role in the progress of this country and in our resistance against the enemies of the people of Iran. Cultural experts have a responsibility in this regard as well. Who are cultural experts? Cultural experts include ulama, professors, revolutionary intellectuals and committed artists. They should preserve their critical outlook towards the cultural conditions of the country and they should provide guidance.  Of course, I believe that such guidance should be provided by giving compelling reasons and offering tangible explanations and good opinions. I do not agree with slandering and creating uproar. I do not agree with saying takfiri things and accusing different people. I 49 believe that the revolutionary community of the country – thankfully, many revolutionary individuals are from among our youth, our experts, our professors and our great and educated personalities – can enter the arena and make criticisms with compelling logic.  They can show weak and negative points to us officials of the country. Sometimes, an official does not know what is happening in society, but such young critics are in the center of society. They know what is happening. This is the national determination and the jihadi management that we discussed in the area of culture.  At the end of my speech, I would like to discuss one point with you people of Iran:50 you should know that global events do not move forward according to the wishes and intentions of America. What global arrogance and the hostile enemies of the people of Iran wanted to achieve in the international arena – which is very wide in scope – has not been achieved and by Allah’s favor, it will not be achieved in the future    51 America has failed in Palestine. The plot that they hatched for Palestine and that they tried very hard to implement has failed and by Allah’s favor, it will fail in the future as well.  The enemies want to turn Palestine into a Jewish country. That is to say, they want to do something to prevent the Palestinians – whether Muslims or Christians – from living in Palestine. In other words, they want to finish Palestine off. They have followed up this plot. They have tried very hard during the recent years, but they have failed. America did not achieve any results in Palestine. It did not achieve any results in Syria. It did not achieve any results in Iraq. The goals that it had in Afghanistan and Pakistan were not achieved. As you see and hear, the Americans’ plots in Europe have been foiled as well.  We should know that they could not achieve any results in our dear country either, even after 30 years of effort against the Revolution and our revolutionary people. A sign of this is the presence of the people. 52 Influential figures in the government of America said openly, “We have imposed and reinforced sanctions so that we can draw the people to the streets”. They openly said that the purpose of sanctions is to uproot the Revolution and to pit the people against the Islamic Republic.  What was the result? The result was what I pointed out in this meeting. In the year 1392, an election was held whose turnout was very high and in which the people participated in a very active way. And on the 22nd of Bahman, a rally was held which was larger, greater and more enthusiastic than any annual rally in the past.  This is the point that I have repeated many times: 53 You dear youth should know that the future belongs to you. By Allah’s favor, your enemies are condemned to failure.  I hope that Allah the Exalted will guide you towards the paths of happiness with His blessings. I hope that He will make the holy heart of the Imam of the Age (may our souls be sacrificed for his sake) satisfied and pleased with us.  Greetings be upon you and Allah’s mercy and blessings |